

درجه

برگزیدگان جشنواره «وارش» معرفی شدند

● **گروه هنر:** آیین اختتامیه نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم وارش، جمعه‌شب با معرفی برگزیدگان بخش‌های مختلف در بابل برگزار شد. در بخش مسابقه بین‌الملل، جایزه بهترین فیلم انیمیشن به «ظریه غروب» به کارگردانی رومن سوکولفاز اهدا شد. هیئت داوران در این بخش از فیلم «افسانه کرم هفتواد» به کارگردانی اصغر صفار و عباس جلالی‌یکتا از ایران نیز تقدیر کردند. جایزه بهترین مستند جشنواره به طور مشترک به دو فیلم «۱۳ کیلومتر» از قزاقستان به کارگردانی ولادیمیر تالکین و «کهکشان بزرگ» به کارگردانی کی سنیا الیان از روسیه اختصاص یافت.

جایزه بهترین فیلم داستانی در بخش مسابقه بین‌الملل به «آوای تنبور» به کارگردانی انیسا صبییری از تاجیکستان تعلق گرفت. جایزه ویژه هیئت داوران این بخش نیز برای فیلم‌برداری فیلم «ایمان» به کارگردانی تاتیانا فدورووسکایا از روسیه اهدا شد و آنتون لاپچنکو، آهنگ‌ساز و موسیقی‌دان روسی جایزه فیلم «ایمان» را به نمایندگی از صاحب اثر دریافت کرد.

جایزه ویژه هیئت داوران نیز برای بهترین فیلم به «کلیف» ساخته علی فراهانی از ایران تعلق گرفت. در بخش دیگری از مراسم، ابراهیم مختاری و سیدمحمدمهدی طباطبایی‌نژاد، رئیس مرکز گسترش سینمای مستند و تجربی، برای تقدیر از فرشاد فداییان به پاس یک عمر فعالیت مستمر وی در حوزه سینمای مستند روی سن حاضر شدند. جایزه بخش ویژه جنگ‌های میرکانی به باسر طالبی، تهیه‌کننده مستندهای «نفس آخر» اهدا شد. جایزه بهترین کارگردانی مستند به همراه لوح تقدیر یونسکو و مبلغ ۳۰ میلیون ریال به رضا مجلسی، کارگردان مستند «به کجا می‌رویم» تعلق گرفت. انجمن منتقدان و نویسندگان سینمایی ایران تندیس بهترین مستند را به «اسرار دریاچه» به کارگردانی آرمین ایثاریان و تندیس بهترین فیلم داستانی را به «تلقین» به کارگردانی اشکان خیل‌نژاد اهدا کرد.

نشان عالی انجمن صنفی کارگردانان سینمای مستند نیز به فیلم «پسران سنبداه» به کارگردانی رضا حائری تعلق گرفت. نشان ویژه انجمن فیلم کوتاه ایران (ایسفا) به فیلم «گاو آمریکایی» به کارگردانی فاطمه طوسی تعلق گرفت. در ادامه، برگزیدگان بخش مسابقه «ترنه‌وا» شامل فیلم‌هایی با محوریت جغرافیای مازندران نیز در اختتامیه نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم وارش معرفی شدند. هیئت داوران هیچ اثری را شایسته دریافت جایزه بهترین فیلم پویانمایی و بهترین فیلم داستانی در بخش مسابقه «ترنه‌وا»ی نهمین جشنواره بین‌المللی فیلم وارش نداشتند، اما محمد عسگرخواه برای کارگردانی فیلم «خالو اسداله» لوح ترنه‌وا به همراه مبلغ ۳۰ میلیون ریال را در بخش بهترین مستند مسابقه «ترنه‌وا» دریافت کرد.



جایزه ویژه هیئت داوران این بخش نیز به مبلغ ۳۰ میلیون ریال به علی‌احمد زرین‌کلایی، کارگردان فیلم مستند «فر فاز صخره‌های مرتفع» و جواد وطنی، تهیه‌کننده فیلم مستند «ورس» اختصاص یافت. در ادامه، جهانگیر نصری‌اشرفی، نیما جاویدی، امیر توده‌روستا، مهدی منیری و طناز طباطبایی، اعضای هیئت داوران بخش ملی برای اهدای جوایز این بخش، روی صحنه رفتند. در این بخش آرمین ایثاریان برای تحقیق فیلم مستند «اسرار دریاچه» تندیس جایزه بهترین تحقیق و پژوهش به همراه دیپلم افتخار و مبلغ ۵۰ میلیون ریال را دریافت کرد.

در بخش بهترین فیلم‌نامه داستانی، تندیس جشنواره به همراه دیپلم افتخار و مبلغ ۴۰ میلیون ریال رای بهترین فیلم‌نامه داستانی به رضا جمالی برای فیلم‌نامه «صدای سارا» رسید.

در بخش بهترین کارگردانی پویانمایی، تندیس جشنواره به همراه دیپلم افتخار و مبلغ ۵۰ میلیون ریال برای بهترین کارگردانی پویانمایی به ملیحه غلام‌زاده، کارگردان فیلم «کلاف» رسید.

در بخش بهترین کارگردانی مستند، الهام معروفی برای فیلم «۳۳۰ سی‌سی خاطره» تندیس جشنواره به همراه دیپلم افتخار و مبلغ ۴۰ میلیون ریال برای بهترین کارگردانی مستند دریافت کرد. در بخش بهترین کارگردانی داستانی، فاطمه طوسی برای فیلم «گاو آمریکایی» تندیس جشنواره به همراه دیپلم افتخار و مبلغ ۵۰ میلیون ریال را به‌عنوان بهترین کارگردانی داستانی به خود اختصاص داد.

جایزه دبیر جشنواره به همراه مبلغ ۳۰ میلیون ریال به شهروز توکل، کارگردان مستند «نواجش» و هادی احمدی، کارگردان فیلم «دادا سلطنه» اهدا شد. فیلم مستند «اسرار دریاچه» به تهیه‌کنندگی آرمین ایثاریان نیز تندیس جشنواره به همراه دیپلم افتخار و مبلغ ۶۰ میلیون ریال را دریافت کرد.

شرق: نمایشگاه کتاب تهران، دیروز به کار خود پایان داد. سی‌ودومین دوره نمایشگاه بین‌المللی کتاب نیز مانند سال‌های گذشته با حواشی همراه بود، اما امسال مسئله گرانی و کمبود کاغذ و اخیرا زینک، از مباحث محوری ناشران و مسئولان بود. محسن جوادی، معاون فرهنگی وزارت ارشاد و رئیس این دوره نمایشگاه کتاب تهران، در آخرین روز برپایی این نمایشگاه با ارانه گزارش و آماری به سیاق هرساله به برخی ابهامات پاسخ داد و با بی‌پاسخ‌گذاشتن برخی پرسش‌ها از رسانه‌ها خواست تا به دنبال مج‌گیری نباشند. او نمایشگاه امسال را فراتر از انتظار خواند و به جابه‌جایی زمانی نمایشگاه امسال که چندروزی زودتر برگزار شد و نیز وضعیت اقتصادی اشاره کرد که تأثیری در حضور چشمگیر مردم نداشت. جوادی گفت: «ما نمی‌گوییم نمایشگاه کتاب مطلوب بوده، اما باید از این بهتر شود. در بخش داخلی وضعیت خوب بود و عمده ناشران احساس رضایت می‌کردند؛ البته کله‌هایی نیز وجود داشته است، اما از آستانه نگرانی‌ها فراتر رفتیم». او درباره افزایش فروش نمایشگاه امسال نیز آماری به دست داد که حاکی از رشد ۳۶ درصدی فروش کتاب بود. «البته ممکن است بگویند افزایش ۳۵ درصدی فروش به‌خاطر افزایش قیمت کتاب‌ها بوده است، اما تراکنش‌ها نسبت به سال گذشته ۱۱ درصد افزایش داشته که نشان‌دهنده افزایش دفعات خرید است.»

به گزارش «ایسنا»، جوادی به معضل کاغذ نیز اشاره کرد و آن را «بحث مزمن» خواند و ابراز امیدواری کرد پس از دیدارهایی که بین وزیران ارشاد و صمت انجام شده و نیز صحبت با اسحاق جهانگیری در حاشیه بازدید از نمایشگاه، به زودی راه‌حل‌هایی برای این موضوع پیدا کنند تا مشکل کاغذ حل شود. جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، در جریان بازدید از نمایشگاه کتاب تهران، موضوع کاغذ را از موضوعات اقتصادی کشور دانست و گفت، توان دولت برای نظارت بر توزیع کاغذ بیش از این نیست: «اینکه دولت چقدر توان نظارت بر جریان توزیع کاغذ دارد، همین میزانی است که الان دیده می‌شود. بعد از گذشت ۳۰ سال از جنگ و واگذاری امور، اینکه به‌یک باره بخواهیم سازمان‌های نظارتی وسیع اجرایی را دوباره ایجاد کنیم، فرایند آسانی نیست. به‌رحال امیدوارم، با سیاست‌هایی که در پیش می‌گیریم، با شرایط دشوار فعلی به نحو مطلوبی مقابله کنیم و زندگی و فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی از این شرایط متأثر نشود».

ممونعیت فروش برخی از کتاب‌های مجوزدار در نمایشگاه نیز از موضوعات هرساله‌ای است که تاکنون پاسخ روشنی از سوی مسئولان به آن داده نشده. محسن جوادی دراین‌باره گفت: «به نظر ما عرضه کتاب با مجوز ارشاد کفایت می‌کند. یک سری از کتاب‌ها

هنر

از گرانی کاغذ تا اعتراض

رئیس نمایشگاه کتاب تهران: دنبال مج‌گیری نباشید



از نظر وزارت ارشاد مجاز هستند که نشر پیدا کنند، اما برخی از جلسات را «اقدامی نادرست» خواندند که با وجود کسب مجوز و موافقت قبلی انجام گرفته است. جایزه قدیمی مهرگان، امسال برای نخستین‌بار پس از گذشت ۲۰ سال از فعالیت خود در بخش غیرتجاری نمایشگاه کتاب تهران، در غرفه کوچکی حضور یافته بود تا پس از سال‌ها یک جایزه مستقل ادبی و علمی نیز برای معرفی آثار برگزیده خود در نمایشگاه کتاب جایگاهی داشته باشد. در جای دیگری از این نامه آمده است: «دریغ و درد که در این شرایط دشوار فرهنگی و اجتماعی، سهم اندک تشکل‌های مردم‌نهاد و بخش خصوصی واقعی ایران حتی در حد یک غرفه کوچک و سه نشست تخصصی ادبیات و علم نیز، تحمل نمی‌شود!» غنایت سمیعی،

ثریا قرول‌ایاغ، مهدی غبرایی، پروین سلاجقه، علیرضا سیف‌الدینی و مژده دقیقی، برخی از امضاکنندگان این نامه هستند. نمایشگاه کتاب امسال نیز با ابهام در مورد وضعیت گرانی کاغذ و نیز حواشی هرساله‌اش تمام شد، اما اهالی فرهنگ و نشر و مطبوعات همچنان در انتظار وعده‌های مسئولان در مورد ساماندهی وضعیت بازار کاغذ خواهند بود.

یادداشتی در مورد رمان «دوست اعجوبه من» و «داستان یک نام جدید» اثر النافراتنه

مبارزهای بدون برنده و بازنده

سهیلا تریابی‌فارسانی

می‌کردند. به تدریج با شخصیت‌های داستان آشنا می‌شویم، به‌قدری شخصیت‌پردازی‌ها و توصیف‌ها دقیق و جالب است که همه وقایع مانند تصویر جلوی چشم خواننده قرار می‌گیرد. بین دو دختر به نام‌های النّا و لی‌لا در این محله از کودکی دوستی عمیقی برقرار می‌شود و مسیر داستان درواقع مسیر زندگی این دو دختر است و انتخاب‌ها و شرایط و ماجراهایی که برایشان رخ می‌دهد، راوی داستان، الناست که مشاهدات و گاه یادداشت‌های لی‌لا را به شیوه جالبی بازگویی می‌کند. لی‌لا به دلیل اینکه پدرش پینه‌دوز فقیری است و برادری بزرگتر و خواهر و برادرانی کوچک‌تر دارد، علی‌رغم هوش بسیار و نبوغش که معلمان بسیار به آن اشاره می‌کنند، بعد از دوران ابتدایی به درس و مدرسه ادامه نمی‌دهد

و النّا که فرزند بزرگ خانواده است و پدرش دربان است، این امکان را می‌یابد که وارد دبیرستان شود و زبان لاتین و یونانی بخواند. نشر زیباست و درس‌خوان است، نه به این خاطر که به درس‌خواندن علاقه دارد، بلکه به این دلیل که در ابتدا مجبور است پاسخ اعتماد پدرش را بدهد و بعد این کار را بر دوش وظیفه انجام می‌دهد و عادت می‌کند که زیاد بخواند و در نتیجه ثر و نوشته‌هایش خوب از آب درمی‌آید. نینو پسری است که او نیز کتاب‌خوان است و النّا خیلی از او خوشش می‌آید. لی‌لا مجبور می‌شود تحصیل را در پایان دوره ابتدایی خاتمه دهد و در پانزده‌وَنیم‌سالگی ازدواج کند. همسرش خواروبارفروشی است که توانسته از شرایط بخرنج سال‌های پس از جنگ به دلیل بهره پدرش از این اوضاع در بازار سیاه سود جوید و برای خودش ماشین و آپارتمان آبرومند و وسایل لوکس و جدید بخراند.

سال‌های بعد از جنگ جهانی است؛ فاشیسم، کمونیسم، فقر و ثروت‌های بادآورده بازار سیاه و احتکار و باندبازی‌های سیاسی و رانت و پارتی‌بازی همه‌وهمه توانست عده‌ای را خیلی پولدار کند. مسئله پولدارشدن و لزوم توسعه کسب‌وکار برای ماندن در بازار رقابت گفتمان رایج می‌شود. خشونت برآمده از فقر فراگیر است. تمام زندگی مملو از خشونت است و مردان و حتی زنان آن را بر یکدیگر اعمال می‌کنند. مادران، پدران را تشویق می‌کنند که کودکان و حتی دختران را کتک بزنند. متنا‌باز تربیت، کتک و دشنام است که همه از کودکی آن را در خانه و خانواده و مدرسه می‌آموزند و خود آن را مجدداً در زندگی بازتولید

می‌کنند. از آنجایی که بینشی ساختارگرایانه بر کل داستان حکمفرماست، این افراد گویی گریزی از این چنبره خشونت ندارند. ازاین‌رو دختران شبیه مادران می‌شوند و پسران شبیه پدران و باره‌وا‌بارها در متن داستان به تناسب جملاتی مبنی‌بر این موضوع مطرح می‌شود. اینکه النّا می‌ترسد شبیه مادرش لنگ‌ولو‌ج شود و اینکه موقع اعمال خشونت استفانو شبیه پدرش می‌شود و گویی پدرش از درون او بیرون آمده. این بخش‌هایی است از تأکید نویسنده بر جبرهایی که بر زندگی همه ما حاکم است و گریزی از آن نیست. جبر زمان، مکان، خانه و خانواده، طبقه، فرهنگ و تمامی آنچه در طول زندگی ما را در چنبره خود قرار می‌دهند و دشواری عبور از آن را در طول داستان به تواتر بیان می‌کند.

یک مبارزه دائم در زندگی که لی‌لا به دلیل هوش زیاد آن را خوب درمی‌یابد و النّا هم با سخت‌کوشی بسیار درس می‌خواند و او هم می‌کوشد راه‌حل‌های هوشمندانه را با تمرکز بر درس‌خواندن به دست آورد، اما نتیجه را این‌گونه بیان می‌کند: «داشت به من توضیح می‌داد که من چیزی برنده نشده‌ام در این دنیا چیزی را خود را از منجلاب بالا بردن نیست و زندگی او هم مانند زندگی من پر از ماجراهای مختلف و احقمانه بوده و خوبی زندگی فقط این بود که هرازگاهی همدیگر را ببینیم و یژواک صدای دیوانه مغز خود را در صدای دیوانه مغز دیگری بشنویم». پس زندگی مبارزه‌ای است که در آن هیچ‌کس نه برنده می‌شود، نه بازنده، فقط اتفاقی‌هایی برای ما می‌افتد.

و اینجا باز هم بر این نکته تأکید می‌شود که انتخاب‌های ما در زندگی تحت‌تأثیر جبرهایی است که ما را احاطه کرده‌اند. دختری که هر دو در یک محله فقیرنشین در نابل زندگی می‌کردند، یکی اجازه می‌یابد درس بخواند، به دانشگاه برود، داستان بنویسد و داستانش را چاپ کند و دیگری با خواروبارفروش مایه‌دار محل ازدواج می‌کند، فقه و ثروت به دست می‌آورد، ولی درعین‌حال تنگ می‌خورد و عشق و هیجانی به‌جز اشیاء و امکان راحت خرج‌کردن ندارد و با بی‌توجهی به این‌مواهب مادی به راحتی پول‌ها را بی‌محابت خرج می‌کند و به دوستانش هم کمک می‌کند و نهایتاً او و همسرش به یکدیگر خیانت می‌کنند و بالاخره برای دومین‌بار و برای همیشه همسرش را ترک می‌کند و به شهر دیگری به نام «نوشته النّا فراتنه، ترجمه نقل‌مکان می‌کند و برای تأمین زندگی خود و

پسرش به کارگری می‌افتد و از آن زندگی مرفه نکبت‌بار دست می‌کشد و در مقابل زنانی که برای به‌دست‌آوردن شرایط او به هر کاری دست می‌زنند. پس لی‌لا شخصیتی متفاوت از زمانه‌اش است که در گفتمان غالب آن زمان با ملاک‌های متعارف آن نابود می‌شود.

در طول داستان که به نظر بر ساختارگرای تأکید دارد، نوعی جبر بر زندگی ما تحمیل شده که راه گریزی از آن نیست. فقر و خشونت با هم عجین شده‌اند و نتیجه آن ترسی دائم است. ویژگی‌های پدران و مادران به پسران و دختران منتقل می‌شود و نوعی سرشت و ذات در شخصیت‌ها وجود دارد که علی‌رغم آنکه النّا درس خوانده، به شهر دیگری رفته و دانشگاه را تمام می‌کند، ولی همیشه با اوست و او با وجود تجربه‌های زیاد از آن خلاصی ندارد. به صورت خود‌ماسک می‌زند و رفتارهایی را تقلید می‌کند که جزء او نیست و مصنوعی است.

نکته دیگر اینکه در چنین شرایطی تنها تحصیل می‌توانست افراد را از فلاکت فقر رها کند، چراکه برای تغییرات در جهان جدید به چنین افرادی نیاز بود، در غیر این‌صورت باید فرب‌کاری، دزدی، خیانت، شارلاتانی، باندبازی، پشت‌هم‌اندازی و بی‌اخلاقی را در پیش گرفت تا خود را از منجلاب بالا کشد؛ اینکه باید هیچ مرز و چارچوبی نداشته باشی و فقط‌و‌فقط به پولدارشدن فکر کنی و همه‌چیز را پای آن قربانی کنی و این‌قدر این کارها برایت عادی شود که به راحتی هم بتوانی بخوابی و اگر نتوانی چنین باشی، پیشرفت نمی‌کنی و بی‌پول و بدبخت می‌مانی. رقابت و سود و پول همه‌چیز می‌شود و برای زندگی مرفه‌تر که انتهایی ندارد، باید همه‌چیز را قربانی کنی و آرامشت را از دست بدهی و از یک گودال به گودال دیگر فروروی و چقدر این شرایط با جامعه‌ای که من اکنون در آن زندگی می‌کنم فضای آشنایی را تداعی می‌کند.

از این مسیر لی‌لا است که شجاعانه گام می‌نهد؛ گویی از جهانی به‌جز این جهان آمده است. با خود و اطرافیانش روراست است، دروغ نمی‌گوید و بهای آن را هم می‌پردازد، ولی هوش و عقل و نبوغش محافظه‌کارانه و ابزاری نشده است و نمی‌تواند از آن برای بهترشدن شرایطش بهره گیرد و اصولی دارد که با اصول زمانه‌اش همسان نیست و درعین‌حال که نماینده همه زنانی است که قربانی فقر و جهالت و خشونت شده‌اند، ولی او همچنان زنده و هوشمندانه به تمامی زندگی را در آغوش می‌کشد و راه‌یابی می‌کند تا زنده بماند. **«دوست اعجوبه من» (جلد یکم) و «داستان یک نام جدید» (جلد دوم) نوشته النّا فراتنه، ترجمه فریده گوینده، نشر لگا**

زیر آسمان فیروزهای

نمایش فیلم‌های ایرانی در دانشگاه کالیفرنیا

● **گروه‌هنر:** دانشگاه کالیفرنیا، لس‌آنجلس (یوسی‌ال‌ای) طبق سنت هرساله، میزبان مجموعه‌ای از فیلم‌های بلند، مستند و کوتاه از سینمای ایران است. در این رویداد سینمایی که امسال سی‌امین دوره خود را از ۲۷ آوریل (۷ اردیبهشت) آغاز کرده و تا ۷ می (۱۷ اردیبهشت) ادامه خواهد داشت، فیلم‌های «مغزهای کوچک زنگ‌زده» از هومن سیدی، «مارموز» به کارگردانی کمال تبریزی، «تهران: شهر عشق» از علی جابرانصاری، «بمب، یک عاشقانه» از ایمان معادی، «بی‌سایه» ساخته ابوالفضل صفاری «خشت و آینه» از ابراهیم گلستان و «هندی و هرمز» از عباس امینی روی پرده می‌روند. همچنین مستندهای «خانه سیاه است» از فروغ فرخزاد، «سرنوشت» از سحر خوشنما، «پیش از پایان تابستان» از مریم گورماغ‌تیغ (سوئیس و فرانسه)، «علی‌آقا» به کارگردانی کامران حیدری (ایران) و «سوئیس» و «اهل آب» از آزاده ییازگیتی، در کنار فیلم‌های کوتاه «تاریکی» ساخته سعید جعفریان، «موقت» از بهنام آزادی، «آغاز فصل سرد» از مهین دبیهم، «بوی شمع‌دانی» از نغمه فرزانه و «فیروزه‌ای» به کارگردانی روزبه مینائی دیگر فیلم‌های حاضر در این رویداد سینمایی هستند.

ناخداخورشید در کانون فیلم خانه سینما

● **گروه‌هنر:** کانون فیلم خانه سینما در برنامه آینده خود، امروز یکشنبه، ۱۵ اردیبهشت، ساعت ۱۷، نسخه ترمیم‌شده فیلم «ناخداخورشید» اثر ناصر تقوایی را به نمایش می‌گذارد. پس از نمایش فیلم هم نشستی با حضور هارون یشایایی و خسرو دهقان برگزار خواهد شد. حضور در این برنامه برای همه آزاد و رایگان است و علاقه‌مندان سینما می‌توانند روز نمایش به نشانی خانه سینما؛ تهران، خیابان بهار جنوبی، خیابان سمنان، شماره ۲۹، خانه سینما مراجعه کنند. «ناخداخورشید» برداشتی آزاد از «داشتن و نداشتن» ارنست همینگوی، نوشته ناصر تقوایی، محصول سال ۱۳۶۵ است. داریوش ارجمند، علی نصیریان، سعید پورصمیمی، پروانه معصومی، فتحعلی اویسی، جعفر والی، غلام‌حسین نقشبene، علی اصغر کرسمیری و اصغر بیچاره، بازیگران فیلم هستند و دیگر عوامل عبارت‌اند از: تهیه‌کنندگان: هارون یشایایی و محمدعلی سلطان‌زاده، آهنگ‌ساز: فریدون ناصری، فیلم‌بردار: مهرداد فخمی، تدوین: ناصر تقوایی، طراح چهره‌پردازی: عبدالله اسکندری و سرپرست گویندگان: منوچهر اسماعیلی. در خلاصه داستان فیلم چنین آمده است: خواجه‌ماجد، ناخداخورشید را لو می‌دهد و بیار قچاق لنج ناخدا به آتش کشیده می‌شود. دلالی به نام فرحان که می‌خواهد چند قراری سیاسی را از مرز آبی عبور دهد، وارد بندر می‌شود و با ناخداخورشید تماس می‌گیرد. در این میان، چند تبعیدی نیز از فرحان می‌خواهند که اسباب فرار آنان را فراهم کند. به این ترتیب، پای ناخدا به ماجراهای جدید کشیده می‌شود. «ناخداخورشید» علاوه بر دریافت یوزنلنگ نقره‌ای جشنواره لوکارنو در سال ۱۹۸۸، در جشنواره فجر سال ۱۳۶۵ هم جوایزی کسب کرده است: برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد: داریوش ارجمند، برنده لوح زرین بهترین بازیگر نقش دوم مرد: سعید پورصمیمی، نامزد سیمرغ بلورین بهترین فیلم: هارون یشایایی و محمدعلی سلطان‌زاده، نامزد سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی: ناصر تقوایی، نامزد سیمرغ بلورین بهترین موسیقی: فریدون ناصری، نامزد سیمرغ بلورین بهترین فیلم‌برداری: مهرداد فخمی، نامزد سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش دوم مرد: فتحعلی اویسی.

علی رهبری به ارکستر سمفونیک استانبول بازگشت

● **گروه‌هنر:** علی رهبری، آهنگ‌ساز و رهبر ارکستر، خردآمله‌امسال همکاری مجدد خود را با ارکستر سمفونیک دولتی استانبول از سر می‌گیرد. او بعد از توقفی هفت‌ساله، از تاریخ چهار خردادماه، با رهبری کنسرت ویژه ارکستر سمفونیک دولتی استانبول، همکاری خود را با این ارکستر از سر می‌گیرد. در این کنسرت آثاری از جکینو روسینی، ژرژ بیزه، کایاتانو دونیزتی، کامیل سن سان و موریس راول اجرا می‌شود. علی رهبری، مدیر هنری سابق ارکسترهای سمفونیک شهرهای بروکسل، پراگ، زاکرب، مالاگا و تهران، پیش از این سال‌های ۱۳۷۴ تا ۱۳۸۹، حدود ۱۴ سال به عنوان رهبر دائم میهمان ارکستر سمفونیک استانبول، رهبری و مسئولیت اجرای حدود ۲۰ کنسرت در سال را بر عهده داشته است. در سال ۱۳۸۹ علی رهبری بنا بر تقاضای بنیاد هنری و فرهنگی شهر آتالیا برای ارتقای سطح هنری ارکستر سمفونیک دولتی نوبنباد آتالیا به عنوان رهبر دائم میهمان عازم این شهر و مسئولیت هدایت این ارکستر را عهده‌دار شد. کشور ترکیه دارای ۲۲ ارکستر سمفونیک دولتی است که قدیمی‌ترین آنها ارکسترهای استانبول، آنکارا و ازمیر هستند که علی رهبری در این شهرها نیز رهبری کرده است.